

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: תזאו ۵۷۸۰

یهودیت چپ مغز و راست مغز

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Tzav 5780

Left- and Right-Brain Judaism

نهاد هفتارا، یعنی خواندن یک بخش از ادبیات انبیاء یهود در کنار پاراشای تورات، نهادی باستانی است که قدمت آن به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل برمی گردد. حکیمان نمی دانند دقیقا کی و کجا و چرا این نهاد مرسوم شد. برخی می گویند زمانی آغاز شد که آنتیوخوس چهارم در قرن دوم پیش از میلاد، قصد حذف آیین های یهودیت را داشت و قیامی را برانگیخت که در مراسم خنوکا جشن می گیریم. در آن زمان، چنان که در متون تلمودی آمده، خواندن تورات در مکان های همگانی ممنوع شده بود. بنابر این، حکیمان بنا گذاشتند که باید یک بخش از کتب انبیاء که محتوای آن یادآور پاراشای هفتگی تورات باشد، خوانده شود.

دیدگاه دیگر بر آن است که رسم هفطارا جهت اعتراض به دیدگاه های سامریان و سپس صدوقیان که اقتدار همه کتب انبیاء به جز کتاب یهوشوع را نفی می کردند، بنا شد.

اما وجود هفطارا در سال های نخستین بعد از میلاد تایید شده است. متون مسیحی اولیه هنگام سخن گفتن از نیایش یهودیان از "کتاب قانون [تورات] و انبیاء" نام می برند به این معنا که تورات [قانون] و هفطارا [کتب انبیاء] دست در دست یکدیگر داشته، در کنار هم خوانده می شدند. بسیاری از میدراش های اولیه، آیه هایی از تورات را با جملاتی از کتب انبیاء ارتباط می دادند. پس این یک همراهی باستانی است.

اغلب ارتباط میان پاراشا و هفطارا سراسر است و گویا است. اما گاهی گزیده کتب انبیاء آموزنده است و فهم حکیمان در مورد پاراشا را به ما منتقل می سازد.

مورد پاراشای بشالغ را در نظر بگیرید. در مرکز پاراشا داستان شکافتن دریا و گذر بنی اسرائیل از دریا بر روی خشکی قرار دارد. این بزرگترین معجزه تورات است. یک جریان آشکارا موازی تاریخی نیز وجود دارد که در کتاب یهوشوع بیان می شود. رود اردن شکافت و امکان داد که قوم از خشکی عبور کند: "رود اردن از سرچشمه متوقف شد. امواج آن بلند شدند و از هم فاصله گرفتند... کوهن هایی که عهد خدا را حمل می کردند در میانه رود اردن توقف کرده، روی زمین خشک ایستادند تا همه افراد قوم و کل ملت از رود گذشتند و به زمین رسیدند." (یهوشوع، باب ۳).

آشکارا این باید گزینه ای برای هفطارا باشد. اما برگزیده نشد. حکیمان به جای آن، سرود دهورا از کتاب داوران را برگزیدند. این نکته ای استثنایی و برجسته برای ما دارد: سنت یهود

مهمترین رویداد بشالغ را نه شکافتن دریا، بلکه سرود بنی اسرائیل در آن رویداد دانسته که سرود جمعی آنها برای ایمان و شادمانی بود.

این به روشنی یعنی: تورات، کتاب خدا در مورد بشریت است، نه کتاب بشریت در مورد خدا. اگر تورات کتاب ما در مورد خدا بود می بایست تمرکز آن بر روی معجزه الهی باشد. اما به جای آن، به پاسخ انسان به معجزه می پردازد.

پس گزینش هفتارا به ما می گوید حکیمان در هنگام گزینش بن مایه اصلی چه فکری در سر داشتند. اما برخی هفتاراها آنقدر عجیب هستند که می توان آنها را معماگونه دانست، زیرا پیام آنها به نظر پیام پاراشا را به جای تقویت به چالش می کشند. نمونه کلاسیک هفتارای صبح کیپور از باب ۵۸ یشای نبی، یکی از برجسته ترین بخش های ادبیات انبیاء است:

آیا این است که آنچه من برگزیدم؟ روزی که انسان خودش را سرکوب کند؟... آیا اینرا روزه می خوانید؟ روزه ای برای خوشایند خدا؟ نه، این است روزه ای که من می پسندم: بندهای شرارت را سست کن و زنجیر بردگی را بگسل. نان خود را برای گرسنگان تقسیم کن و غریبان بی پناه را به خانه خود دعوت کن. وقتی شخصی را برهنه می بینی، آنها را لباس بپوشان. (۷-۵۸:۸)

پیام، بس روشن است. در این باره در عهد و گفتگوی هفته پیش صحبت کردیم. دستورهای مربوط به مناسبت میان ما و خدا و مناسبت میان ما و انسان های دیگر ازهم جدایی ناپذیرند. روزه گرفتن به هیچ درد نمی خورد اگر همراه با آن، رفتار عادلانه و دلسوزانه با هموعان خود

نداشته باشی. نمی توانی انتظار داشته باشی که خدا تو را دوست داشته باشد اگر با دیگران مهرورزانه رفتار نکنی. تا این جا روشن است.

اما همین پیام در جمع روز کیپور بیدرنگ پس از خواندن پاراشای تورات در توصیف عبادت کوهن گادول در آن روز و همراه دستور "به خود سختی دهید"، ایجاد چنددستگی فکری می کند. از سویی تورات به ما می گوید روزه بگیرید، توبه کرده، خود را پالایش دهید، اما از سوی دیگر انبیاء می گویند که هیچ یک از اینها به درد نمی خورد، مگر آنکه در گونه ای کنش اجتماعی مشارکت کنی و یا دستکم، با دیگران به احترام رفتار نمایی. تورات و هفتارا دو صدا هستند که به نظر نمی رسد در هماهنگی با یکدیگر می سرایند.

نمونه افراطی دیگر، هفتارای همراه با پاراشای این هفته است. تزاو درمورد انواع قربانی ها است. سپس هفتارا خوانده می شود، با این تذکر غیرقابل فهم یرمیا:

زیرا وقتی اجداد تو را از مصر بیرون آوردم و با آنان سخن گفتم، دستوری درمورد پیشکش های سوختنی و قربانی ها ندادم، ولی به آنها این دستور رادادم: از من پیروی کنید و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. (یرمیا ۲۳-۲۲:۷)

به نظر می آید که این یعنی قربانی ها بخشی از قصد اولیه خدا برای بنی اسرائیل نبوده است. به نظر می رسد که این هفتارا اساس پاراشا را زیر سوال می برد.

به چه معنا است؟ ساده ترین تفسیر این معنا را پیشنهاد می کند: "من فقط به آنها دستورهای مربوط به پیشکش های سوختنی و قربانی ها نداده ام." به آنها دستورهای قربانی دادم اما آنها کلیت قانون نبودند و هدف اصلی قانون به شمار نمی رفتند.

تفسیر دوم، دیدگاه مشهور و جدل انگیز مشه بن مایمون است که در یک دنیای ایده آل، قربانی ها آن چیزی نبودند که می خواست. آنچه خدا می خواست عبادت [avodah - خدمت] بود: او می خواست که بنی اسرائیل او را عبادت کنند. اما آنها عادت به آیین های مذهبی دنیای باستان داشتند و هنوز قادر به درک *avodah shebalev* یا عبادت قلب یا نیایش نبودند. آنها عادت داشتند به کارهایی که در مصر و عملاً در آن روزگار در همه جاها دیگر انجام می شد و بر اساس آنها عبادت به معنای قربانی دادن بود. در این متن یرمیا می خواست بگوید که از دیدگاه خدا قربانی کردن *bedi'avad* بود و نه *lechatchilah* که پس از انجام کاری داده شود که از همان ابتدا مورد پسند نباشد.

تفسیر سوم این است که کل توالی رویدادهای خروج، باب ۲۵ تا لاویان، باب ۲۵ پاسخی بودند به رویداد گوساله طلایی. جای دیگر استدلال کرده ام که این نمایانگر نیازی سوزان از سوی قوم برای داشتن خدایی بود نزدیک و نه دور، درون اردوگاه و نه بالای کوه، قابل دسترس برای همگان و نه فقط موسی و روزانه، نه فقط در لحظه های معجزه. این چیزی است که محراب، آیین ها و قربانگاه آن نمایندگی می کرد. خانه شخینا یا جلال الهی بود که از ریشه شاخون به معنای سکونت در همسایگی می آید. قربانی در زبان عبری، قربان، یعنی آنچه نزدیکی [قرب] می آورد. پس در محراب خدا به مردم نزدیک می شد و مردم با آوردن قربانی ها به خدا نزدیک می شدند.

این طرح اولیه خدا نبود. چنان که از متن یرمیا و بیانیه عهد در خروج ۱۹-۲۴ برمی آید، هدف این بود که خدا سرور و قانونگذار باشد. پادشاه آنها باشد و نه همسایه آنها. او دور خواهد بود و نه نزدیک (خروج ۳:۳۳). قوم از قوانین او اطاعت کنند؛ برای او به طور منظم قربانی نیاورند. خدا به قربانی ها نیاز ندارد. اما خدا به خواست مردم پاسخ مثبت داد، همان گونه که وقتی آنها گفتند تاب شنیدن صدای مهیب خدا در کوه سینا را ندارند: "آنچه این قوم به تو گفتند را شنیدم. هر چه گفتند خوب بود" (تثنیه ۵:۲۵). آنچه مردم را به خدا نزدیک نگه می دارد از سوی مردم انجام می شود و نه از سوی خدا. به این دلیل، قربانی ها نه نیت اولیه خدا، بلکه نیاز روانی بنی اسرائیل بود: نیاز به تقرب مداوم به خدا در زمان های پیش بینی شده.

آنچه فهم این دو هفتارا را ممکن می سازد، اصرار آنها به بعد اخلاقی یهودیت است. چنان که یرمیا در آیه آخر این هفتارا می آورد: "من خدا هستم که عشق، عدالت و راستواری را در زمین برقرار می کنم، زیرا من در اینها شادمانی می کنم." (یرمیا ۹:۲۳). این را به روشنی می توان فهمید. بیسابقه این است که حکیمان تلمودی بخش هایی از تورات را با ادبیاتی از انبیاء همراه کردند که بسیار متفاوت با یکدیگر بودند و گویی از دنیاهایی متفاوت و فضای قانونی متفاوت می آمدند.

این از عظمت یهودیت است. یهودیت یک سمفونی همسرایی است که برای صداهای گوناگون تدوین شده است. جدلی میان دیدگاه های گوناگون است. بدون قوانین مبسوط هیچ قربانی وجود نداشت. بدون قربانی ها در دوران توراتی، نزدیک شدن به خدا ممکن نبود. ولی اگر فقط قربانی وجود داشت و صدای انبیاء نبود، مردم می توانستند به ظاهر، عبادت خدا

بکنند، ولی به ممنوع خود آزار برسانند. آنها ممکن بود خود را زاهد بدانند، ولی زاهد ریایی باشند.

صدا و نگرش وابسته به کوهنیم [استوار بر آیین های معبد] درب خشی از تورات که در روز کیپور خوانده می شود، بازتاب می یابد و پاراشای تراو به ما می گوید چه و چگونه. اما صدای وابسته به انبیاء به ما می گویند چرا چنین است. این دو گرایش، مانند نیمکره های چپ و راست مغز هستند؛ یا مانند گوش دادن به استریو یا دیدن فیلم 3D. این پیچیدگی و غنای یهودیت را نشان می دهد و در طول دوران پساتوراتی در قالب صداهای متفاوت هلاخا و هگادا ادامه می یابد.

با کنار هم گذاشتن صدا و نگرش کوهنیم و صدا و نگرش انبیاء می بینیم که اینها آیین ها تمرین اخلاق هستند. اجرای اعمال مقدس به صورت مکرر، مغز را ساختار و شخصیت را شکل می بخشد و حساسیت ها را بازسازی می کنند. حکیمان گفته اند که دستورها برای کمال بخشیدن به مردم داده شده اند.<sup>1</sup> رفتار بیرونی، احساس های درونی را تحت تاثیر قرار می دهند. چنان که Sefer ha-Chinnuch بیان می کند، "قلب فرد از اعمال او پیروی می کند."<sup>2</sup>

من باور دارم که این پادگویی [تناقض] میان تورات و هفتارا، میان صداهای کوهنیم و انبیاء، یکی از نقاط قوت و شکوه یهودیت است. از راه این نگرش ها ما می آموزیم که چگونه عمل کنیم و چرا چنین است. بدون قانون، عمل،

---

<sup>1</sup> Tanhuma, Shemini, 12.

<sup>2</sup> Sefer ha-Chinnuch, Bo, Mitzvah 16.

مختل است؛ بدون دانستن چرایی این قانون ها، رفتارها کور خواهند بود. با ترکیب کردن ریزه کاری های صدای کوهنیم و دورنمای بینش انبیاء به عظمت روحانی دست می یابیم.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Shirin D. Daghighian Persian Translation by